

کوچ روان و یکجانشینان

○ محسن جعفری مذهب

○ کوچ روان در جهان یکجانشین

○ ویراستاران: آناتولی خازانوف و آندره وینک

○ ناشر: ریچموند، کورزون، ۲۰۰۱

Nomads in the sedentary world,

Edited by Anatoly M. Khazanov

and wink, Andre' Richmond:

Curzon Press

۲۰۰۱, ISBN --۷۰۰۷-۱۳۷--۰۰

NOMADS IN THE SEDENTARY WORLD

EDITED BY
Anatoly M. Khazanov
and
André Wink

CURZON

کوچ نشینی یا کوچ روی یکی از مهمترین دغدغه‌های جهان قدیم متمدن (آسیا و اروپا) در هزاره یکم و دوم میلادی است. آسیای مرکزی، مهم‌ترین مرکز و مبدأ مهاجرت کوچ روان به جنوب (چین و هند)، جنوب غربی (خاورمیانه) و غرب (اروپا) در دو هزار سال گذشته است. مهاجرت کوچ روان معمولاً یک طرفه بود و آنان هرگز به سرزمین مادری یا مسکن پیشین خود بازنگشتند، یا در جامعه جدید حل شدند و یا آنان را در خود حل کردند.

در سده بیستم میلادی تعدادی از این اقوام (به‌ویژه در آسیا) سعی در تشکیل دولت‌های ملی نمودند بدون آنکه سیر طولانی و طبیعی کوچ روی شبانی، روستایی و شهری را تجربه کنند، پای در عصر مدرن و صنعتی گذاشتند. فروپاشی اتحاد شوروی و سر بر آوردن دولت‌های جدید ملی به‌ویژه در سرزمین‌های متصرفی روسیه، اهمیت مجددی به نقش و تاریخ کوچ روان داد. نظریه اوراسیانیسم در روسیه، هوادارانی یافت و اهمیت دوچندانی به آن بخشید.

اهمیت موضوع باعث شد که در تاریخ ۲ و ۳ جولای ۱۹۹۸ م / ۱۱ و ۱۲ تیر ۱۳۷۷ کنفرانسی توسط «انستیتو بین‌المللی مطالعات آسیایی» لیدن و «انستیتوی هلندی مطالعات عالی» واسنار هلند برگزار گردد. اینک مقالات آن کنفرانس منتشر می‌گردد.

هفت مقاله از خازانوف، گلدن، برند، امیتای، آلس، کیچانوف و وینک در این مجموعه به چاپ رسیده و چهار مقاله از اشخاصی چون ناراین، دی کوزمو، و لیندتر منتشر نشده و چهار مقاله‌ای که دیرتر از زمان کنفرانس رسید، شامل ارزیا، بارفیلد، برادبور، و نونان به جای آنها انتشار یافته است. مقاله نخست که در حکم پیشگفتار مجموعه نیز هست، «کوچ روان در تاریخ جهان یکجانشین» نوشته آناتولی خازانوف است.

مسأله روابط دوجانبه کوچ روان و مهاجرت گسترده آنان به طور کلی با یکجانشینان روستایی و جوامع شهری از دو نظر قابل بررسی است: نخست «تاثیر جوامع یکجانشین بر کوچ روان» و دوم «تاثیر کوچ روان بر توسعه جهان یکجانشین». در اصل این کوچ روان بودند که می‌توانستند امپراتوری‌های چندفرهنگی بسازند و موجب تداخل وسیع فرهنگ‌ها و ادیان در یکدیگر شوند. از نمونه‌های جدید این تاثیر متقابل کوچ روی و یکجانشینی نظریه اوراسیانیسم است که بر اساس آن روسیه، جزئی از تمدن غرب شمرده نمی‌شود زیرا هنوز اروپا، آن را به عنوان تمدن غربی در خود هضم نکرده است و غربی شدن روسیه نتیجه‌ای جز جدایی اکثریت مردم روسیه ندارد که جزء تمدن غرب نیستند. بنابر نظریه اوراسیانیسم، روسیه دارای تمدنی مختلط از تمدن غربی و فرهنگ ترکی - مغولی است. امروزه کمونیست‌های پس از فروپاشی شوروی مبلغ و مدافع نظریه اوراسیانیسم‌اند به طوری که زیوکائف می‌گوید: «روسیه، وارث امپراتوری چنگیزخان است»، و رئیس‌جمهور تاتارستان می‌گوید: «روسیه بزرگ، بدون اردوی زرین وجود ندارد».

دومین مقاله در مورد «روسیه و گرجستان پیش از چنگیزخان» نوشته پیتر گولدن (Peter B. Golden) است. در این مقاله به ورود خزران به شمال دریای مازندران و تاثیر آنان در فرهنگ‌های روسی و قفقازی و ایجاد حکومت دوگانه روسی پرداخته شده است. نظام جانشینی عرضی (و نه طولی) از هدایای خزران بود که به روس‌ها داده شد. در این نظام تا زمانی که برادر حاکم در قید حیات بود، حکومت به پسر نمی‌رسید. Lestvichnaia Sistema ظاهراً از سال ۱۱۹۶ م / ۵۹۳ هـ. در حکومت کیف به کار گرفته شد.

خزرها در گرجستان نیز، تاثیر عمده‌ای برجای گذاشتند. همچنان که قپچاق‌ها در ماوراء قفقاز.

پس از آنان، مغولان وارد منطقه شدند. روس‌ها به حکام مغول «کار» لقب می‌دادند که به امپراتور بیزانس نیز اطلاق می‌شد. در حالی که قپچاق‌ها و پچناک‌ها را «شاهزاده» می‌گفتند.

سومین مقاله، «خاقانی خزران و فشار آن به دولت اولیه روس» نام دارد که توسط توماس نونان (Thomas. T. Noonan) نوشته شده است. دولت خزران دولتی چندزبانی، چندنژادی و چندمذهبی بود که بین ۲۵ تا ۲۸ گونه قوم و قبیله را دربرمی‌گرفت. خود خزران برخوردار از ۹ قبیله و عشیره و ۸ بخش جغرافیایی و ۸ شاهزاده بود. پس از آنکه ولادیمیر به مسیحیت گروید و مذهب ارتدکس به روس‌ها شخصیت واحدی بخشید، هنوز آنان خود را «خاقان کیف» می‌نامیدند تا بتوانند بر بقایای امپراتوری خزران حکومت کنند.

چهارمین مقاله «تحلیل کومان‌ها در مجارستان» نوشته نورا برند (Nora Berend) نام دارد. کومان‌ها در سده سیزدهم میلادی/هفتم هجری و در ادامه یورش مغولان، به ناحیه مجارستان کوچیدند. البته پیش از اینان مجارها، آوارها، پچناک‌ها و اغوزها به آنجا رفته بودند. سرانجام کومان‌ها با مسیحی شدن، در جامعه مجارها مستحیل گشتند.

پنجمین مقاله با عنوان «نفوذ جمعیت کوچ‌رو شبان در اقتصاد و جامعه ایران پس از صفوی»، نوشته دانیل برادبور (Daniel Bradburd) است. نویسنده ابتدا به بحث در مورد عشایر ایران می‌پردازد که از عصر سلجوقیان نقش مهمی در حیات جامعه یکجانشین و شهرنشین بازی کردند. نقش اقطاع و تیول از مهم‌ترین عناصر دخیل در کوچ روی بود. دولت قاجار نیز از میان همین عشایر برخاست. نقش کوچ روی شبانی بر اقتصاد ایران و تجارت خارجی مبتنی بر محصولات شبانی، تردیدناپذیر است.

عنوان ششمین مقاله «کوچ روان ترکی -

مغولی و نظام اقطاع در خاورمیانه اسلامی (حدود ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ م / ۴۰۰ تا ۸۰۰ هـ)» نوشته ریوون امیتای است.

آمدن مغولان به ایران و خاورمیانه همزمان با به قدرت رسیدن مملوکان ترک در مصر و سوریه بود مغولان، برخلاف مملوکان که نظام اقطاع اسلامی را حفظ کرده بودند، علاقه‌ای بدان نشان ندادند و به هنگام مسلمان شدن غازان خان بود که این امر به وقوع پیوست و مناسبات ارضی برپایه‌ای مدون بنا نهاده شد.

هفتمین مقاله با عنوان «تقسیم امپراتوری: زمین‌های بخش شده در دوره مغولان» نوشته توماس آلسن (Thomas. T. Allsen) است. چنگیزخان پیش از مرگ خود سرزمین‌های متصرفی را بین پسران (و کمی هم برادران) تقسیم کرد. این مقاله به رفتار حکام مناطق بخش شده مغولی با اتباع بومی‌شان می‌پردازد و به نظام‌های مالی و مالیاتی متفاوتی که در سرزمین‌های مفتوحه مغولان به کار گرفته شده، اشاره می‌کند.

«کوچ‌روان در دولت تنگوت شی شیا» نوشته یوگنی کیچانوف (Eugeny Kychanov) عنوان هشتمین مقاله است. دولت شی شیا که در

استان کنونی سیچوان چین تشکیل شد، سرانجام به دست قوای چنگیزخان سقوط کرد و حکومت مغولان در آن برقرار گردید. بسیاری از مردم آن در سده‌های ۱۳ و ۱۴ م / ۷ و ۸ هـ. به اسلام روی آوردند. اویغورها و اویرات‌ها در آن ساکن شده و بسیاری از تنگوت‌ها به تبت رفتند.

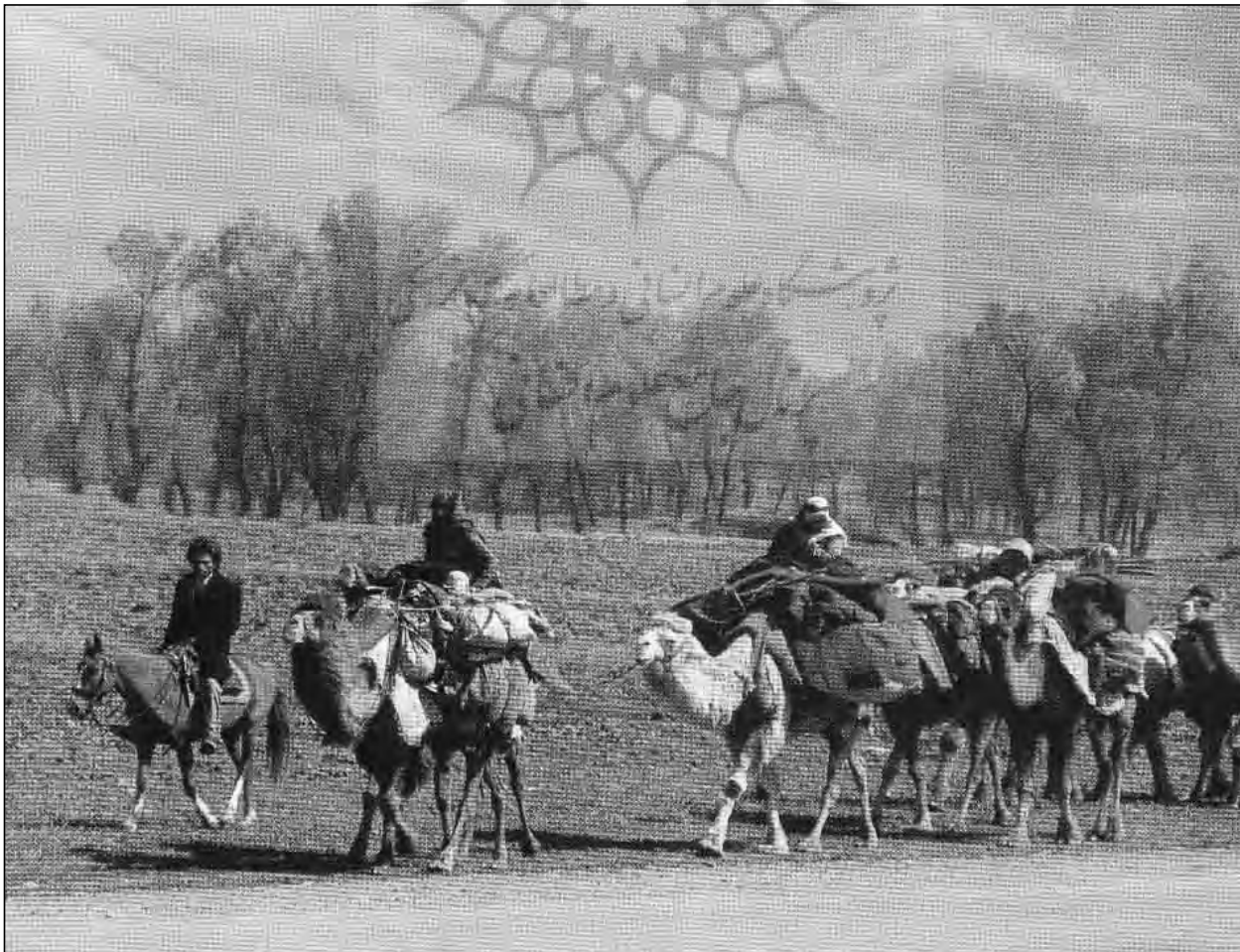
نهمین مقاله با عنوان «هند و مرزهای ترکی-مغولی» نوشته آندره وینک است. از زمان غزنویان، مملوکان آنان به داخل هند نفوذ کرده و در آن اقامت نمودند و دولت‌های ترکی فراوانی به پا کردند که تا ظهور مغولان کبیر (ظهیرالدین بابر و فرزندان او) صاحب قدرت بودند.

دهمین مقاله با عنوان «امپراتوری دشت‌ها، چین و راه ابریشم: کوچ‌روان به عنوان سپاهی در تجارت و سیاست بین‌الملل» نوشته توماس بارفیلد (Thomas Barfield) است. راه طولانی ابریشم، شاهد حضور و تشکیل امپراتوری‌های صحرانوردان بود. تسلط کوچ‌روان بر سرزمین‌های متمدن راه ابریشم مانع رشد بازرگانی منطقه نشد. این امپراتوری‌ها که معمولاً از ائتلاف عشایر گوناگون کوچ‌رو تشکیل می‌شد عامل مهمی در سیاست خارجی کشورهای منطقه به شمار می‌رفت که دیوار چین از نتایج این اهمیت است. توانایی

بالقوه این نیرو باعث می‌شد در بعضی منازعات منطقه‌ای شرکت جویند. گاه باج‌هایی که به اینان داده می‌شد (مانند ابریشم چینی)، به کالایی بدل می‌شد تا با اقلام دیگر مبادله کنند تا دیگر مایحتاج خود را تهیه نمایند. بدین جهت، ناخواسته در تجارت ابریشم شرکت می‌جستند.

یازدهمین مقاله با عنوان «عناصر کوچ‌روی در آفریقا: سلطه یا حاشیه‌نشینی» نوشته ویکتور آزاریا (Victor Azarya) است. در این مقاله به قبایل کوچ‌رو در شرق آفریقا (قبیله ماسایی) و غرب آفریقا (تاورگ) پرداخته می‌شود. «نتیجه‌گیری» آخرین بخش کتاب نوشته آندره وینک است. نویسنده در این بخش به پنج محور عمده مقالات می‌پردازد:

- ۱ - نقش نظامی کوچ‌روان بر جهان یکجانشین.
- ۲ - کوچ‌روان و بازرگانی جهان یکجانشین.
- ۳ - تاثیر کوچ‌روان بر نظریه دولت یکجانشین.
- ۴ - میراث نهاد کوچ‌روی در جهان یکجانشین.
- ۵- وضعیت پس از کوچ‌روی Post-Nomadism چاپ کتاب خوب و کم غلط است. ترجمه آن بسیار مفید و بلکه بایسته است.



کوچ کردن عشایر